



ترامپ چگونه می‌تواند به توافق بهتری با ایران دست یابد

به قلم مایکل سینگ

۱۰ اکتبر ۲۰۱۸

همچنین دست‌یافتنی به

/ English

Arabic

درباره نویسنده



[مایکل سینگ](#)

مایکل سینگ هموند پژوهشی ارشد لین-سویگ (Lane-Swig) و مدیرعامل انستیتو واشنگتن است



مقاله‌ها و دیدگاه‌ها

ایالات متحده برای سیاست جدید خود نیاز دارد که اروپا را با خود نگه دارد از تحریم‌ها فراتر رود و حمایت دوحزبی پایدار از این سیاست را تضمین کند

یکی از سران ارشد یک «دیکتاتوری فاسد» که مسئول اشاعه «آشوب مرگ و ویرانی» است ظاهراً می‌تواند یک «مرد فوق‌العاده دوست‌داشتنی» هم باشد. دست‌کم دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری ایالات متحده چنین می‌اندیشد چون همه این حرف‌ها را ماه گذشته در جریان مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نیویورک در توصیف حسن روحانی رئیس‌جمهور ایران زده است.

این ترکیب انتقاد و تعارف پارادوکسی است با منظوری خاص. ترامپ به لغو توافق هسته‌ای ایران که رئیس‌جمهور پیشین آمریکا در سال ۲۰۱۵ امضا کرد قانع نیست. می‌خواهد بر سر توافق بهتری مذاکره کند و این بازتابی از سیاست اوست در قبال کره شمالی یعنی قصد دارد ایران را تا جای ممکن در تنگنا قرار دهد تا سر میز مذاکره بیاید.

استراتژی ساده‌ای است ولی خالی از مخاطرات چشمگیر هم نیست. آشکارترین مخاطره این است که ایران به جای تسلیم و یا پیش از تسلیم به این استراتژی با توسعه فعالیت‌های هسته‌ای خود پاسخ بدهد و بحران ایجاد کند. محاسبه تهران با درسی که از قضیه کره شمالی گرفته می‌تواند به‌سادگی این باشد که با از سرگیری برنامه هسته‌ای چنان فشاری به آمریکا وارد خواهد کرد که حاضر باشد برای بازگشت به وضعیت پیشین هزینه بدهد.

مخاطره کمتر نگران‌کننده اما محتمل‌تر این است که تهران فقط ایستادگی کند و تنها منتظر گذشت زمان بماند به جای این که برای رفع فشار خردکننده اقتصادی وارد چانه‌زنی شود – همان کاری که رژیم‌های اقتدارگرای ونزوئلا و عراق در گذشته کرده‌اند.

ایران اگر در این مسیر پیش برود احتمالاً روی سه عامل که به سودش خواهد بود حساب خواهد کرد: این که ایالات متحده دچار انزوای بین‌المللی شود این که رویکرد دولت ترامپ باعث شکاف داخلی در آمریکا شود و جانشین او این رویکرد را کنار بگذارد و این که واشنگتن تمایلی به فراتر رفتن از تحریم‌ها و به چالش کشیدن ایران در منطقه نداشته باشد.

اگر دولت ترامپ بخواهد فشار به ایران را به بیشترین حد برساند باید انتظارات تهران را در هر سه زمینه ناکام بگذارد و همزمان ایران را از توسعه فعالیت‌های هسته‌ای‌اش بازدارد. این کار مستلزم راهبردی است که در آن واحد چندجانبه باشد. طرحی فراگیر و مورد حمایت متحدان ایالات متحده که از تحریم‌ها فراتر رود و همه ابزارهای موجود سیاست‌گذاری از جمله ابزارهای دیپلماتیک اطلاعاتی و نظامی را در بر گیرد و علاوه بر این‌ها تداوم داشته باشد - یعنی حمایت کافی از هر دو حزب داخلی به دست آورد تا احتمالاً بیش از دوره ریاست جمهوری ترامپ دوام داشته باشد.

نخستین گام در چنان راهبردی باید ترمیم شکاف میان ایالات متحده و متحدانش به‌ویژه فرانسه، آلمان و بریتانیا باشد که در کنار واشنگتن درگیر مذاکره بر سر توافق هسته‌ای بوده‌اند. به رغم اختلاف بر سر کنار کشیدن ایالات متحده از توافق هسته‌ای و بازگرداندن تحریم‌ها از سوی واشنگتن، ایالات متحده و متحدانش در اروپا و نقاط دیگر بر سر ایران بیشتر اشتراک نظر دارند تا اختلاف. هیچ یک نمی‌خواهد ایران به سلاح هسته‌ای دست یابد و همه درباره توسعه و گسترش موشک‌ها و دیگر سلاح‌های ایران و حمایتش از نیروهای نیابتی در خاورمیانه نگرانند.

با توجه به این همپوشانی مذاکره درباره مشترکات میان ایالات متحده و اروپا باید یک اصل باشد. دولت ترامپ باید در اعمال تحریم‌ها انعطاف‌پذیری نسبی به کار بندد و اتحادیه اروپا باید در تحمیل هزینه به ایران در زمینه‌های مورد نگرانی مشترک مانند برنامه موشکی ایران و فعالیت‌هایش در سوریه به ایالات متحده بپیوندد.

برخی مخالف امتیاز دادن در زمینه اقدامات یکجانبه ایالات متحده خواهند بود. ولی چنین مخالفت‌هایی ناشی از محاسبه اشتباه است. اگر ایالات متحده و متحدانش در کنار هم باشند، ایران را از برتری استراتژیک محروم خواهند کرد و این هر گونه کاهش اندک در فشار ایالات متحده را جبران خواهد کرد. انعطاف‌پذیری در اعمال تحریم‌های جدید هم می‌تواند قدرت‌های اروپایی را قادر سازد که ایران را از توسعه فعالیت‌های هسته‌ای‌اش بازدارند و به آنها امکان دهد که این کشور را بر سر فهرست مشترک نگرانی‌های ایالات متحده و متحدانش به میز مذاکره باز گردانند.

ولی تشکیل یک جبهه دیپلماتیک مشترک آمریکا و اروپا کافی نیست. ایران در مقابله با فشار اقتصادی - همچنانکه در مورد عراق دیده‌ایم - ممکن است در مناطقی واکنش نشان بدهد که نیروهای نیابتی‌اش را در آنجا حمایت می‌کند و نیز در نقاطی که ایران تصور می‌کند بر کشورهای غربی - که از مناقشات خاورمیانه خسته شده‌اند - برتری دارد. ایران همچنین ممکن است تردید داشته باشد که ترامپ - که منتقد سرسخت دخالت‌های قبلی ایالات متحده در منطقه بوده - بخواهد در پاسخ به گریز هسته‌ای و تسریع ایران در دسترسی به سلاح هسته‌ای اقدام قاطعی انجام دهد.

مقابله با ایران در منطقه نیازی نیست که محدود به فعالیت نظامی شود و نباید هم باشد. در واقع هر سیاستی در قبال ایران باید این موضوع را در نظر گیرد که اولویت‌های اصلی واشنگتن به شکل فزاینده‌ای بیرون از خاورمیانه اند. ولی کاربرد محدود نیروی نظامی - یعنی حفظ حضور نظامی اندک آمریکا در سوریه یا تلاش متحدان آمریکا در بازداشتن ایران از ارسال سلاح به سوریه - می‌تواند تاثیر دیپلماسی را دوچندان کند. هدف این دیپلماسی باید حل و فصل مناقشاتی مانند یمن باشد که ایران از آن برای گسترش نفوذش در منطقه بهره گرفته و با همین درجه از اهمیت محروم ساختن تهران از فرصت‌های تازه برای مداخله جویبی که ناشی از اختلاف میان متحدان آمریکا یا تنش‌های داخلی کشورهای منطقه باشد.

سرانجام این که دولت ترامپ باید برای راهبردش در قبال ایران حمایت دوحزبی به دست آورد. جمهوری خواهان باید بفهمند که بازداشتن ایران از پیگیری اعمالش که مایک پمپئو وزیر خارجه آمریکا شرح داده است احتمالاً کاری درازمدت خواهد بود. دموکرات‌ها نیز باید درک کنند که اگر دوباره به کاخ سفید راه یابند صرف بازگشت به توافق هسته‌ای شاید آسان نباشد - به‌ویژه آن که محدودیت‌های تعیین‌شده در این توافق به تاریخ انقضای خود نزدیک می‌شود - و در هر حال دموکرات‌ها هم نیازمند راهبردی برای مقابله با چالش‌های غیرهسته‌ای ایران خواهند بود.

نوسان فزاینده در سیاست خارجی ایالات متحده در قبال مسائلی حساس چون ایران نه تنها متحدان و دشمنان آمریکا را ترغیب می‌کند که منتظر سیاست مطلوب‌تری در آینده بمانند بلکه توانایی واشنگتن در رهبری را هم کاهش می‌دهد. هر دو حزب باید برای معکوس کردن این روند مسئولیت بپذیرند.

در حال حاضر دولت ترامپ ظاهراً در مقابله با ایران منزوی است. ولی در واقعیت نگرانی‌هایی که دولت او در مورد سیاست‌های ایران ابراز کرده میان آمریکا و کشورهای دیگر مشترک است و متحدان ایالات متحده مشتاق رهبری آمریکا در مسائل حساس منطقه‌ای مانند سوریه و یمن اند.

ترامپ شاید هرگز به دیداری با رهبران ایران که از تلویزیون پخش بشود دست نیابد. ولی اگر به جای ناخشنود کردن متحدانش بتواند آنها

را متحد کند و اگر پیشنهاد دیپلماتیک یکجانبه‌اش به ایران واقعی باشد قادر خواهد بود تضمین کند که ایران بابت به چالش کشیدن منافع ایالات متحده هزینه خواهد پرداخت – و شاید حتی ایران را به پای میز مذاکره بکشاند

*مایکل سینگ پژوهشگر ارشد لین-سویگ و مدیر اجرایی انستیتو واشنگتن است



نمایش/چاپ پی‌دی‌اف

همرسانی در شبکه‌های اجتماعی



آگاه‌سازی با پست الکترونیک



Sign Up



TO TOP

RECOMMENDED



مقاله‌ها و دیدگاه‌ها

بایدن باید طرحی ثانوی با فرض پیروزی حوثی‌ها داشته باشد

۱ دسامبر ۲۰۲۱

دیوید شنکر



BRIEF ANALYSIS

A New Chance at Kingmaking for Iraqi Kurds

دسامبر ۲۰۲۱

Bilal Wahab



BRIEF ANALYSIS

How Tehran Views Washington

دسامبر ۲۰۲۱

Amir Toumaj ,
Sanam Vakil

TOPICS

سیاست آمریکا

منع اشاعه

REGIONS & COUNTRIES

ایران

به روز بمانید


SIGN UP FOR EMAIL
ALERTS



THE
WASHINGTON INSTITUTE
for Near East Policy

19th Street NW - Suite 500 1111
Washington D.C. 20036
Tel: 202-452-0650
Fax: 202-223-5364

تماس
اتاق خبر
Subscribe

هدف انستیتو واشنگتن، تعمیق درکی متعادل و واقع‌بینانه از منافع آمریکا در خاورمیانه و نیز پیشبرد سیاست‌هایی برای حفظ آن منافع است.

انستیتو واشنگتن یک سازمان غیرانتفاعی دارای مجوز 501(c)3 است که تمامی کمک‌های مالی به آن شامل معافیت مالیاتی خواهد شد.

[در باره انستیتو واشنگتن](#) /
[پشتیبانی از انستیتو](#)



© 2021 کلیه حقوق محفوظ است

[استخدام](#) /
[حریم خصوصی](#) /
[حقوق و مجوزها](#)